

## حوزه انقلابی و صدور فرهنگ انقلاب اسلامی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۱/۲۷

محمداسماعیل نباتیان\*\*

حوزه انقلابی را می‌توان معتقد به اسلام سیاسی و نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه جامع‌الشرایط، ملهم از اندیشه‌های فقهی و کلامی امام خمینی دانست که پس از صدر اسلام، برای نخستین بار توانست الگویی مبتنی بر اسلام ناب و برگرفته از قرآن و احادیث را در جامعه تحقق بخشد و با ابتنا بر آن، به تدریج فرهنگی خلق کند و آن را بسط دهد. یکی از عوامل حفظ و پویایی یک اندیشه و نیز الگوی سیاسی - اجتماعی برگرفته از آن، صدور و فراگیر کردن آن در فراتر از مرزهای جغرافیایی است. حوزه انقلابی با دارا بودن ظرفیت‌های اثرگذاری چون مرجعیت، کثرت طلاب و مبلغان و نقش شبکه‌ای آنها در کشورهای مختلف، مساجد، حسینیه‌ها و هیئت‌های مذهبی، این امکان را دارد که فرهنگ انقلاب اسلامی را به‌عنوان الگوی جایگزین فرهنگ لیبرالیستی و نیز فرهنگ اسلام غیرانقلابی در جوامع مسلمان طرح کند و آن را نهادینه سازد.

**کلیدواژه‌ها:** حوزه انقلابی، فرهنگ انقلاب اسلامی، صدور انقلاب، نظریه پخش.

\* این مقاله مربوط است به همایش علمی «حوزه انقلابی؛ مسئولیت‌های ملی و فراملی» که در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در اسفند ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد.

\*\* استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران (me.nabatian@ut.ac.ir).

## ۱. مقدمه

انقلابی با ماهیت اسلامی در سال ۱۳۵۷ در ایران به پیروزی رسید. رهبری، اهداف، آرمان‌های اعلامی، شعارها، پایگاه‌های پیش‌برنده انقلاب همچون مساجد و هیئت‌های مذهبی، همه نمایانگر ابتدای این انقلاب قرن بیستمی بر مؤلفه‌های دینی است؛ به طوری که حتی در سرزمین‌های پیرامونی ایران، به تعبیر نیکی کدی «پیروزی انقلاب به‌مثابه پیروزی اسلام» تلقی گردید (نک: برزگر، ۱۳۹۱: ۵۱) و همین جذابیت شعارها، هدف‌ها، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی، سبب اثرگذاری انقلاب ایران بر جهان اسلام شده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۲۴۴).

شکل‌گیری این ذهنیت و گرایش و شورانگیزی در ملت‌های پیرامونی از سویی، و آرمان جهانی‌رهایی مستضعفان، به‌ویژه مسلمانان از یوغ استکبار و استبداد که در بیان و بنان رهبران انقلاب هویدا بود از سوی دیگر، مسئله صدور انقلاب و فرهنگ‌سازی را بر اساس ارزش‌های انقلاب به دغدغه‌ای پررنگ برای انقلابیون تبدیل کرد (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۲: ۲۸۳؛ ۱۳: ۱۲۷ و ۲۶۲؛ ۱۸: ۲۴۳؛ ۱۹: ۴۵). در این راستا، از همان روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حوزه‌های علمیه، نهادهای نو تأسیس انقلابی و شخصیت‌های رسمی و غیررسمی در جمهوری اسلامی، صدور انقلاب را رسالت انقلابی و دینی خود برشمردند و در این مسیر، برنامه‌ها، اقدامات و فعالیت‌های متنوعی را در دستور کار قرار دادند؛ اما ماهیت اسلامی انقلاب، غلبه رویکرد فرهنگی در آن، آرمان‌های فراملی و انسانی انقلاب و نیز نقش پررنگ حوزه علمیه و روحانیت در رهبری انقلاب و نظام برآمده از آن، سبب شد ضرورت حضور و نقش‌آفرینی حوزه علمیه در صدور انقلاب و فرهنگ انقلابی بیشتر احساس شود؛ به‌ویژه که امام نیز در صدور انقلاب، بر بُعد فرهنگی آن تأکید می‌ورزید: «ما که می‌گوییم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، می‌خواهیم همین معنویتی که در ایران پیدا شده است را صادر کنیم. این انقلاب فرهنگی‌مان را، انقلاب اسلامی‌مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم» (همان، ۱۲: ۲۸۳). از سوی دیگر، تبلیغ فرهنگی در عرصه بین‌الملل با عنایت به محدودیت‌های فراوان در کشورهای هدف و نیز حاکمیت بوروکراسی بیمار در کشور مبدأ، در قالب نهادهای رسمی وابسته به دولت‌ها، امکان توفیق بسیار کمی می‌یابد (علمی، ۱۳۸۹، ۱: ۲۴۴). اساساً دولتی کردن تبلیغ و صدور فرهنگ انقلابی، آفت آن است و در عرصه بین‌الملل، حساسیت دولت‌های هدف را دوچندان می‌کند (همان: ۲۴۵).



با این توصیف، در تبیین مسئله صدور فرهنگ انقلاب اسلامی به محیط‌های هدف، این سؤال مطرح می‌شود که: با وجود تکثر نهادهای متولّی فرهنگ‌سازی انقلابی در جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل، حوزه علمیه انقلابی چه نقشی در صدور فرهنگ انقلاب اسلامی ایفا می‌کند؟ در پاسخ باید گفت حوزه انقلابی به‌عنوان حامل فرهنگ اصیل اسلام انقلابی، با برخورداری از ظرفیت‌های عظیمی چون مرجعیت دینی، مرجعیت فرهنگ‌سازی مذهبی، شبکه گسترده مبلغان، کثرت مساجد و هیئت‌های مذهبی، مسیری علمی، قابل اعتماد، اثرگذار، تعمیق‌یافته و پایدار در صدور فرهنگ انقلاب اسلامی در میان نخبگان و توده‌های مردم در اقصی نقاط جهان است. تحلیل ژرف نقش حوزه انقلابی در صدور فرهنگ انقلاب اسلامی، مستلزم تمسک به چارچوب نظری متقن است؛ از این رو به «نظریه پخش» هاگر استرند دست یازیدیم که در تحلیل انتشار و اشاعه ایده‌های فرهنگی و سیاسی بسیار پویاست.

«پخش» عبارت است از فرایندی که بر اساس آن، امری فرهنگی که مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگری به عاریت گرفته، پذیرفته شود. پذیرش همچو امر فرهنگی در یک کشور، متأثر از متغیرهایی است؛ نظیر تفوق آن بر آنچه در جامعه مقصد موجود است، سازگاری داشتن با انگاره‌های فرهنگی موجود، شناخت سهل و آسان آن، و قابلیت آزمون‌پذیری به‌طور تجربی که مزایای آن بر تعداد نسبتاً زیادی از مردم به‌روشنی قابل مشاهده باشد (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۶). استرند سه نوع پخش را مطرح می‌کند:

(۱) **پخش جابه‌جایی:** لازمه این نوع پخش، انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل یک اندیشه است. این نوع پخش زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای ایده‌ای مخصوص، به‌طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و بدین طریق ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش می‌یابد.

(۲) **پخش سلسله‌مراتبی:** در این نوع پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله‌مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات منتقل می‌گردد و گسترش می‌یابد؛ یعنی ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر یا از یک مرکز شهری مهم به مرکز دیگر گسترده می‌شود. در این نوع، پخش فرایندی است که از مراکز بزرگ‌تر و مهم‌تر به مراکز کوچک‌تر سرازیر می‌شود؛ برای مثال در صدر اسلام، با اسلام‌آوردن رئیس قبیله، کل افراد نیز تغییر دیانت می‌دادند.

(۳) **پخش سرایتی یا واگیردار:** در این نوع، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن



سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد؛ مانند اشاعه بیماری‌های مسری که با تماس مستقیم منتشر می‌شود. این فرایند تحت تأثیر فاصله قرار دارد؛ بنابراین، افراد و نواحی نزدیک درمقایسه با افراد و نواحی دور دست، احتمال تماس بیشتری دارند. دو نوع پخش سلسله‌مراتبی و سرایتی، دارای سرعت انتشار بالایی هستند (همان: ۳۷-۳۸).

استرنند شش عامل را در پخش یک ایده، اثرگذار می‌داند که عبارت‌اند از:

- (۱) حوزه یا محیط جغرافیایی که می‌تواند پذیرا - همگرا یا محیط‌ناپذیرا - واگرا باشد.
- (۲) زمان، بدین معنا که پدیده می‌تواند به صورت مداوم یا به حالت دوره‌های متمایز از یکدیگر و متوالی باشد.

(۳) موضوع پخش که در اینجا «فرهنگ انقلاب اسلامی» است.

(۴) مبدأ پخش که «حوزه انقلابی در جمهوری اسلامی» است.

(۵) مقصد پخش، یعنی مکان‌هایی که محتوا و موضوع پخش به آنها می‌رسد؛ نظیر جهان اسلام.

(۶) مسیر پخش که حرکت موضوع پخش از مبدأ به مقصد است (همان).

بنابراین، در نظریه پخش چهار رکن را می‌توان مشاهده کرد: مبدأ پخش، مقصد پخش، موضوع پخش و مسیر پخش. در اینجا به تحلیل نقش حوزه انقلابی در صدور فرهنگ انقلاب اسلامی در قالب این چهار رکن نظریه پخش می‌پردازیم.

**۲. حوزه انقلابی در جمهوری اسلامی ایران به مثابه مبدأ صدور فرهنگ انقلاب اسلامی**  
یکی از ارکان اساسی نظریه پخش، مبدأ پخش است که خاستگاه فرهنگی است که بناست به محیط‌های پیرامون صادر شود. مبدأ را مکانی می‌دانند که ایده فرهنگی جدید در آن نضج می‌گیرد و ظهور می‌یابد. براین اساس، در اینجا حوزه انقلابی در جمهوری اسلامی ایران را به مثابه مبدأ پخش و صدور فرهنگ انقلاب اسلامی برمی‌شماریم. از موضوعات پرتکرار و مورد توجه در گفتار و نوشتار رهبری انقلاب و بزرگان آن، حوزه علمیه و نقش اصلی و اصیل آن در تکوین، تثبیت و تداوم نهضت اسلامی و فرهنگ انقلاب است:

در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبینشان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی - اسلامی را سراغ کنیم که در آن، حوزه و روحانیت پیش‌کسوت شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگفرش‌های حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟ (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۲۱: ۲۷۵).



استاد مطهری نیز درباره سرنوشت نهضت امام خمینی بر این باور بود که دستیابی انقلاب اسلامی به آرمان‌ها و پیروزی در صحنه جهانی، مستلزم حضور و نقش‌آفرینی روحانیت در آن است؛ چراکه روحانیت باید حامل فرهنگ اصیل اسلامی باشد که انقلاب اسلامی بر پایه آن ابتدا یافته است (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

رسالت روحانیت و حوزه علمیه، هدایتگری در مسیر فرهنگ اصیل اسلام انقلابی است و هدایتگری امری انسانی و فراملی است؛ از این رو، نقش حوزه در صدور فرهنگ انقلاب اسلامی در راستای وظایف ذاتی آن به شمار می‌آید و اساساً «معنای صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند، همه دولت‌ها بیدار شوند و خودشان را... از این تحت سلطه‌بودنی که هستند... نجات بدهند» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۷: ۱۳۹). به همین دلیل است که در منابع متعدد، سال ۱۹۷۹ میلادی (سال پیروزی انقلاب اسلامی) سرآغاز بازگشت و احیای دین در صحنه بین‌الملل دانسته شده است (علمی، ۱۳۸۹، ۱: ۲۳۹).

تحلیل و بررسی نقش حوزه انقلابی در صدور فرهنگ انقلاب اسلامی، مستلزم تبیین خصایص، شاخص‌ها و نیز ضرورت‌های آن است؛ از این رو، با بهره‌گیری از واقعیت‌های حوزه و نیز دیدگاه‌های امام خمینی و بزرگان انقلاب همچون استاد مطهری، آیت‌الله دکتر بهشتی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تلاش شده است ویژگی‌ها و خصایص حوزه انقلابی استخراج و در این راستا، به ضرورت‌هایی اشاره شود که حوزه باید در آن مسیر سیر نماید. نکته شایان ذکر اینکه امروزه در حوزه علمیه، جریان‌های مختلفی فعال‌اند و در قبال انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن، دیدگاه‌های حامی تا نافی دارند. در این مقاله مراد ما جریانی در حوزه است که به انقلاب و ولایت فقیه و آرمان‌های آن معتقد است.

مباحث مربوط به حوزه انقلابی را در سه موضوع ویژگی‌های حوزه، ضرورت‌های آن و ظرفیت‌های حوزه در مسیر صدور انقلاب دسته‌بندی کرده‌ایم که دو قسم اول را در همین قسمت و مبحث ظرفیت‌های حوزه را در قسمت «مسیر پخش و صدور فرهنگ انقلاب اسلامی» تبیین خواهیم کرد.

#### الف) ویژگی‌ها و شاخص‌های حوزه انقلابی

یک - اعتقاد به اسلام سیاسی و نظام مبتنی بر ولایت فقیه: «اگر این روحانیت را از این نهضت، از اول بر می‌داشتیم، اصلاً نهضتی نمی‌شد. مردم به کس دیگری گوش نمی‌دادند» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۵: ۲۷۹).

دو - حمایت از نظام جمهوری اسلامی: «حوزه علمیه قم، مادر این نظام است... یک



مادر چگونه می‌تواند از زاده خود، از فرزند خود غافل بماند... در هنگام لازم از او دفاع نکند؟» (خامنه‌ای، ۲۹ مهر ۱۳۸۹).

**سه - استکبارستیزی:** امعان نظر در تحولات تاریخ معاصر ایران و عراق، مبین روحیه استعمارستیزی و استکبارستیزی حوزه‌های علمیه است. از فتوای علما در جنگ‌های ایران و روسیه، فتوای ضداستعماری میرزای شیرازی، انقلاب ۱۹۲۰ مردمی عراق به رهبری علما علیه انگلیس (ثورة العشرين)، مقابله امام خمینی با کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳، وقوع انقلاب ضد استبدادی و ضد استکباری در سال ۱۳۵۷ به رهبری روحانیت و... همه شاهدی بر وجود این روحیه در حوزه‌های علمیه است. «باید طلاب بدانند که مبارزه با استکبار در انقلاب اسلامی و در میان ملت ما، یک حرکت معقول و منطقی و دارای پشتوانه علمی و یک حرکت خردمندانه است... از دین و آیه قرآن و آنچه الهام دینی است... «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» (فتح: ۲۹) و «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» (توبه: ۱۲)» (خامنه‌ای: ۱۲ آبان ۱۳۹۴).

**چهار - مردمی بودن حوزه انقلابی:** خاستگاه حوزه، مردم است و همین امر سبب استقلال حوزه در طول تاریخ بوده است. این حوزه در عین حمایت از نظام اسلامی، حامی مردم و نیز ناصح نظام اسلامی است. «نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است. حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح» (همو: ۲۹ مهر ۱۳۸۹؛ نیز نک: امام خمینی، ۱۳۸۹، ۱۳: ۱۴).

**پنج - حوزه به‌مثابه نهادی غیررسمی و غیردولتی:** در جهان امروز چنین نهادهایی بیشتر مورد توجه افکار عمومی بوده، اثرگذاری‌شان در میان مردم روزافزون‌تر است؛ به‌ویژه که چنین نهادهایی، محدودیت‌های سیاسی، حقوقی و بین‌المللی نهادهای وابسته به دولت‌ها را نیز ندارند (رضائی جعفری، ۱۳۹۵: ۱۰۵).

**شش - برخورداری حوزه از شخصیت‌های برجسته انقلابی به‌مثابه الگو؛** نظیر امام خمینی، شهید سیدمحمدباقر صدر، امام موسی صدر و سیدجمال‌الدین اسدآبادی.

#### ب) ضرورت‌های حوزه در مسیر صدور انقلاب اسلامی

توجه به وضعیت موجود حوزه علمیه نشان می‌دهد از وضع مطلوب آن فاصله دارد و به همین دلیل، بزرگانی چون استاد مطهری بر ضرورت توجه به آن و فراتر بردن سطح آگاهی‌ها تأکید کرده‌اند: «برای نهضت ما چنین آینده‌ای که در آن، عرضه افکار داغ باشد، قابل پیش‌بینی است؛ از این‌رو، لازم است روحانیت ده‌ها برابر گذشته، خود را تجهیز کند.

روحانیت احتیاج به تقویت دارد» (به نقل از: باقی نصرآبادی، ۱۳۸۶، ص ۹۸) و «بدیهی است که مشکلات جامعه بشری نو می شود و مشکلات نو، راه حل نو می خواهد.» "الحوادث الواقعه" چیزی جز پدیده‌های نوظهور نیست که حل آنها بر عهده حاملان معارف اسلامی است (مطهری، ۱۳۹۵، ۲۴: ۸۷). ایشان در عبارتی گویا بر این ضعف حوزه چنین تأکید کرده است:

آدمی که سروکارش فقط چند کتاب معین در یک علم به خصوص مثلاً فقه، ادبیات، فلسفه و غیره باشد و در کنج مدرسه به سر برد، نمی‌تواند بفهمد در جامعه چه می‌گذرد و چه باید کرد. علم و اطلاع به اوضاع جاری و متغیر جهان لازم است. شامه نیز می‌خواهد که حوادثی که در آینده واقع می‌شود، از حالا پیش‌بینی کند و جامعه را طوری از آن حادثه عبور دهد که با خطری مواجه نشود. هدایت بدون قدرت پیش‌بینی امکان‌پذیر نیست (همان، ۲۵: ۳۴۶).

در اینجا به برخی از ضرورت‌های مهم پیش روی حوزه علمیه اشاره می‌کنم:  
یک - تربیت متفکر و اندیشمند با رویکردی جهانی و آرمان جامعه مهدوی: اندیشه انتظار و مهدویت که حوزه طلایه‌دار آن است، نگرشی جهانی است و طبعاً مستلزم تربیت متفکر در تراز جهانی می‌باشد: «امروز حوزه نباید در صحنه‌های متعدد فلسفی و فقهی و کلامی در دنیا غایب باشد. این همه سؤال در دنیا و در مسائل گوناگون مطرح است، پاسخ حوزه چیست؟ نباید غایب باشد، نباید منفعل باشد» (خامنه‌ای، ۲۹ مهر ۱۳۸۹).

دو - آینده‌نگری: آینده‌نگری خمیرمایه برنامه‌ریزی صائب در حیات انسان است:

«روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس‌العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۲۱: ۲۹۲).

استاد مطهری با انتقاد از کوتاهی روحانیت و حوزه در برنامه‌ریزی برای پس از پیروزی نهضت‌های معاصر، مثل مشروطه و نگرانی از تکرار آن در انقلاب اسلامی (مطهری، ۱۳۷۸: ۹۳) می‌نویسد: «اگر ما آینده را شناسیم، یعنی برای آینده طرح نداشته باشیم و اگر به مسئولیت خودمان برای ساختن تاریخ توجه نکنیم، مورد ملامت آیندگان هستیم» (همو، ۱۳۹۵، ۲۵: ۵۱۳).

سه - تفکر احیاگری و اصلاح‌طلبی در حوزه علمیه: به تعبیر استاد مطهری، احیاگری و



اصلاح‌طلبی، روحیه‌ای اسلامی است و هر مسلمانی به حکم اینکه مسلمان است، باید احیاگر و دست‌کم طرفدار آن باشد (همو، ۱۳۹۱: ۷۷). از سوی دیگر، اصلاح و احیا زمانی در جامعه اسلام تحقق می‌یابد که رهبری آن به دست اسلام‌شناسانی عادل و زمان‌شناس باشد و در غیر این صورت، به دین ضربه اساسی وارد خواهد شد: «اگر انقلاب ایران بخواهد به نتیجه برسد و پیروزمندانه به پیش برود، باید روی دوش روحانیت قرار بگیرد. بنابراین، اگر این پرچمداری از دست روحانیت گرفته شود و به دست روشنفکران بیفتد، در زمانی نه‌چندان دور، اسلام به کلی مسخ می‌شود» (همو، ۱۳۸۴، ص ۱۸۴).

**چهار - آگاهی به زمان و مسائل آن:** امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس» (کلینی، ۱۳۷۷، ۱: ۲۶). با وجود کاستی‌ها در حوزه از این حیث، اما در تحولات سیاسی - اجتماعی معاصر شاهدیم که حوزه علمیه نبض تفکر جامعه را در دست دارد و در این مسیر توانسته تحولات مهمی چون انقلاب مشروطه، قیام پانزده خرداد و انقلاب اسلامی را رهبری کند: «مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۲۱: ۲۸۹).

### ۳. فرهنگ انقلاب اسلامی به مثابه موضوع پخش و صدور

موضوع پخش از ارکان نظریه پخش به شمار می‌آید و در مقاله حاضر، فرهنگ انقلاب اسلامی موضوع این پخش و صدور است. برای تبیین موضوع، لازم است مؤلفه‌ها و خصایص مهم فرهنگ انقلاب اسلامی را توضیح دهیم:

**یک - حاکمیت الهی:** پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظامی بر اساس اندیشه امامت شیعی و با محوریت ولی‌فقیه جامع‌الشرایط عادل تشکیل شد که از دیدگاه شیعی، تنها نظام سیاسی مشروع در عصر غیبت است. این نظام سیاسی مشروعیتی الهی داشته، در تقابل با الگوهای سکولار حاکم بر اغلب کشورهای جهان قرار دارد.

**دو - عدالت‌محوری:** از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی که از اندیشه شیعی سرچشمه می‌گیرد، عدالت‌محوری است. در اندیشه شیعی و به‌طور خاص فقه شیعه، عدالت، شرط تصدی مسئولیت‌های اجتماعی، از رهبری جامعه تا امام جماعت مسجد است. اساساً اندیشه شیعه بر عدالت مبتنا دارد و در طول تاریخ خود، آن را ملاک و معیار سنجش حکومت‌ها تعریف کرده است.



سه - جمهوریت و مردم‌سالاری: در فرهنگ انقلاب اسلامی با وجود حاکمیت الهی، مقبولیت مردمی شرط تحقق نظام سیاسی آن است؛ از این رو، جمهوری اسلامی به‌مثابه مردم‌سالاری دینی، الگویی از مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی را در عرصه سیاسی در معرض افکار عمومی جهانیان قرار داده است.

چهار - استکبارستیزی: از شاخص‌های برجسته انقلاب اسلامی، استکبارستیزی و مقابله با سلطه قدرت‌های استعماری بر مستضعفان است. امام خمینی لبّ مکتب اسلام را در ظلم‌ستیزی می‌داند: «ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه آن مکتب خلاصه می‌شود در دو کلمه: لا تظلمون و لا تظلمون؛ نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۱۴: ۶۶).

پنج - آرمان‌گرایی: اندیشه مهدویت از مؤلفه‌های اساسی مکتب تشیع به شمار می‌آید. ایمان به تکوین جامعه‌ای آرمانی مبتنی بر عدل که در آیات و روایات مکرر مورد توجه قرار گرفته، سبب شده است شیعه در طول تاریخ در پی تغییر و تحول جامعه با هدف تمهید جامعه آرمانی مهدوی گام بردارد. بی‌شک وقوع انقلاب اسلامی و تأسیس نظامی دینی، الگویی را در جهان سکولار مطرح ساخت که دست‌کم در غالب کشورهای اسلامی، آرمان‌خواهی را در میان مردم مسلمان رویاند و به مبارزات آنها جهت داد.

شش - جهان‌شمولی: از ویژگی‌های انقلاب اسلامی، بنیادگذاری نظامی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است و اسلام، طریق فطری سعادت بشر بدون توجه به رنگ، نژاد، زبان و جغرافیاست. اگر تحولی چون انقلاب سال ۵۷ خود را «اسلامی» می‌داند، صدور این انقلاب نه‌تنها حرکتی انقلابی، که وظیفه‌ای انقلابی است. از این‌روست که رهبران انقلاب اسلامی بارها بر ایده‌ی صدور انقلاب تأکید کرده و آن را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز گنجانده‌اند (رجائی، ۱۳۸۲: ۸۱-۸۲). اصل ۱۵۴ قانون اساسی، جهان‌شمولی و سعادت کل بشر را آرمان انقلاب دانسته است.

هفت - دفاع از مستضعفان و مظلومان جهان: از ویژگی‌های فرهنگ انقلاب اسلامی، حمایت از مستضعفان جهان است که در سخنان امام خمینی بسیار پررنگ منعکس شده است: «اسلام برای نجات مستضعفین آمده است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۴: ۱۵۱) و «طریق اسلامی این است که مستضعفین را حمایت کنند» (همو، ۲۰ شهریور ۱۳۵۹).

هشت - آزادی و استقلال: از چالش‌های مهم و درازمدت ایران و کشورهای اسلامی در سده‌های اخیر، استبداد و استعمار بوده است. به همین دلیل، همواره مسلمانان در این



برهه، بر ضد استبداد یا استعمار یا هر دو مبارزه می‌کردند؛ ولی غالباً با سدّ محکم آنها مواجه می‌شدند و نمی‌توانستند از یوغشان رهایی یابند. اما انقلاب اسلامی که با هدف آزادی از زنجیر استبداد و کسب استقلال از استکبار به رهبری روحانیت نضج گرفت، توانست نظام چندهزار ساله سلطنت استبدادی را فروپاشد و دست قدرت‌های استعماری را از ایران کوتاه سازد. از این رو، هویت انقلاب اسلامی با آزادی و استقلال در پرتو اسلام تعریف می‌شود: «اسلام، دین آزادی و استقلال است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۶: ۱۳۱) و «استقلال و آزادی در پیروی از قرآن کریم و رسول اکرم صلی الله علیه و آله است» (همان، ۷: ۴۱۹) و این «اسلام است که استقلال شما را بیمه می‌کند» (همان: ۴۱۹).

#### ۴. مقصد پخش و صدور فرهنگ انقلاب اسلامی

یکی از ارکان نظریه پخش، مقصد پخش ایده فرهنگی است. مقصد و محیط هدف به فراخور ایده فرهنگی، متفاوت ظهور می‌یابد؛ به طوری که برخی از محیط‌های هدف، پذیرا و همگرا با ایده فرهنگی هستند و از این رو، زمینه سیاسی یا فرهنگی یا اجتماعی و یا همه بسترها برای صدور و پخش در آنها فراهم است؛ ولی بعضی از محیط‌های مقصد، ناپذیرا بوده، با فرهنگ و نیز مبدأ پخش دچار اصطکاک‌اند که در این صورت، امکان صدور و پذیرش ایده فرهنگی دشوار و گاه ناممکن می‌شود. نکته شایان ذکر اینکه، ممکن است کشور هدف بر اساس یک شاخص، محیط پذیرا باشد و به اعتبار شاخصی دیگر، از آن دور شود؛ برای مثال عراق به موجب مذهبی با جمهوری اسلامی ایران تقارب، و به دلیل قومیت، تقابل دارد.

**الف) مقصد و محیط‌های پذیرا و همگرا:** در چنین محیط‌هایی عوامل پذیرایی نظیر تجانس فرهنگی، فکری، دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی میان مبدأ و مقصد حاکم است. به نسبت نقش‌آفرینی این عوامل، زمینه‌های پذیرش و بازتاب فرهنگ انقلاب اسلامی افزایش می‌یابد. البته در اینجا با توجه به موضوعیت حوزه انقلابی در صدور انقلاب، تجانس مذهبی و دینی نقش مؤثرتری در صدور این فرهنگ دارد. مهم‌ترین عوامل تأیید یا تسریع‌کننده پذیرش فرهنگ انقلاب اسلامی در محیط‌های هدف را می‌توان به شرح زیر برشمرد و تبیین کرد:

**یک - تجانس دینی:** ماهیت اسلامی انقلاب ایران و نقش پررنگ مؤلفه‌های اسلامی در تحقق انقلاب، سبب گرایش مسلمانان کشورهای مختلف به این انقلاب و فرهنگ آن

شده است. وحدت دینی، هم عامل اشاعه‌دهنده و هم عامل شتاب‌دهنده پخش فرهنگ جدید است و در مقابل، اختلاف مذهبی می‌تواند مانع پخش و صدور به شمار آید (برزگر، ۱۳۸۱: ۶۰). البته وجود مؤلفه‌های شیعی انقلاب ایران و نظام برآمده از آن، همچون ولایت‌فقیه، سیاست‌های اعلامی و اقدامی نظام جمهوری اسلامی و نیز نگرش‌های وحدت‌گرایانه رهبران انقلاب، سبب شده در میان مسلمانان اهل سنت نیز احساس همگرایی فراوانی با انقلاب و ارزش‌های آن شکل بگیرد و حتی مسیر مبارزه در فلسطین تحت تأثیر انقلاب اسلامی دچار تحول شود. از سوی دیگر، حوزه علمیه با عنایت به رسالت تبلیغی خود، ظرفیت ایفای نقش حلقه واسطه را در ایجاد ارتباط مسلمانان، به‌ویژه شیعیان کشورهای مختلف با فرهنگ انقلاب اسلامی دارد که با مروری بر فراز و فرود صدور انقلاب می‌توان این نقش‌آفرینی حوزه انقلابی را مشاهده کرد.

**دو- تجانس یا وجود اشتراکات فرهنگی:** برخی کشورها نظیر افغانستان، تاجیکستان و آذربایجان، اشتراکات فرهنگی فراوانی همچون زبان و آداب و رسوم با ایران دارند و همین مقوله در گرایش مردم این کشورها به فرهنگ انقلابی اثرگذار است. برای نمونه، این گرایش را در علاقه‌مندی بسیار مردم تاجیک به فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی می‌توان مشاهده کرد.

**سه - همسایگی:** قُرب مسافت در جلب توجه به ایده فرهنگی جدیدی که در نقطه‌ای ظهور می‌یابد، اهمیت دارد. مردم در کشورهای همسایه ایران - مثلاً عراق - از نخستین کسانی بودند که در تأیید انقلاب و نشان دادن علاقه‌مندی به آن، راهپیمایی کردند.

**چهار - روابط سیاسی حسنه بین دولت‌ها:** روابط سیاسی حسنه میان دولت جمهوری اسلامی با هر کشور، بر روابط فرهنگی نیز اثر می‌گذارد و بدگمانی و سوءبرداشت دولت‌ها را از اقدامات فرهنگی نهادهایی چون حوزه علمیه کاهش می‌دهد؛ همان‌طور که رابطه خصمانه، مانع جدی در صدور فرهنگ انقلابی است. برای مثال، رابطه خصمانه دولت صدام حسین، نقش فراوانی در سد صدور فرهنگ انقلابی به عراق داشت و در مقابل، پس از سقوط صدام و روی کار آمدن دولتی همگرا، شاهد ظهور ارزش‌های انقلابی در میان مردم عراق، حتی در تکوین نهادهای مردمی نظیر «حشدالشعبی» هستیم.

**ب) مقصد و محیط‌های ناپذیرا و واگرا:** با وجود زمینه‌های پذیرا در برخی کشورها، صدور فرهنگ انقلاب در آنجا با موانعی روبه‌رو می‌شود که آنها را به محیطی ناپذیرا تبدیل می‌کند. در ادامه به بیان عوامل مهم واگرایی اشاره می‌کنیم:



یک - دولت‌های سکولار و عمدتاً دیکتاتور در جهان اسلام: غالب این دولت‌ها واکنشی منفی و سخت در برابر انقلاب و صدور آن در پیش گرفتند؛ به طوری که برخی از این حاکمان مانند صدام، به جنایت‌هایی بزرگ، از جمله شهادت رهبران شیعه همچون آیت‌الله صدر و خاندان آیت‌الله حکیم دست زدند. همچنین در این راستا، ائتلاف‌ها و اتحادیهایی چون شورای همکاری خلیج فارس را برای سدّ نفوذ اندیشه انقلابی تشکیل دادند.

دو - شکاف عربی - عجمی یا فارسی - ترکی: این شکاف به‌ویژه عربی - عجمی که دولت‌های سکولار به‌شدت آن را تبلیغ می‌کردند، مانع مهمی در پخش و صدور فرهنگ انقلابی و اثرگذاری‌اش بوده است؛ به گونه‌ای که در سال جاری با وجود نقش بی‌بدیل جمهوری اسلامی در نجات عراق از سیطره داعش، جریان شیعی مقتدی صدر با گرایش‌های متعصب عربی، در تقابل با جمهوری اسلامی، به نزدیکی با دولت ضدشیعی و وهابی عربستان سعودی پرداخته است.

سه - تعارض در عین تجانس: این مانع صدور فرهنگ انقلابی را می‌توان در جمهوری آذربایجان مشاهده کرد. در این کشور با وجود تجانس مذهبی با ایران، به علت اینکه تبلیغ تشیع به‌ویژه با رویکرد انقلابی، مقوله‌ای امنیتی تعریف شده، حضور حوزه انقلابی در آن و صدور فرهنگ انقلابی بسیار دشوار است. از این رو، تجانس مذهبی که اصولاً باید در جهت تقارب نقش‌آفرینی کند، به مانع صدور اندیشه انقلابی بدل گشته است.

چهار - نفوذ قدرت‌های بزرگ و متخاصم با انقلاب اسلامی: در برخی از محیط‌های به‌شدت پذیرا و همگرا همچون بحرین، به علت نفوذ قدرت‌ها و تقابل اندیشه انقلابی با منافع آنها، زمینه‌های حضور و اثرگذاری بسیار کاهش می‌یابد یا اساساً از بین می‌رود.

پنج - شکل‌گیری کانون‌های بدیل برای اسلام سیاسی نظیر جریان‌های سلفی تکفیری: در دو دهه اخیر، جریان‌های سلفی - تکفیری با تعریفی خاص از اسلام سیاسی و ارائه الگوی خلافت اسلامی، خود را پرچمدار اسلام سیاسی اصیل، به‌ویژه با قرائت اهل سنت و جماعت معرفی کرده‌اند (نک: نباتیان، ۱۳۹۴: ۷۹-۱۳۴). تخاصم شدید میان فرهنگ انقلابی با این بدیل‌های کاذب را می‌توان در سوریه، عراق، افغانستان و... مشاهده کرد. بخش‌هایی از افکار عمومی اهل سنت که پیش‌تر با رویکرد اسلام سیاسی ایران در تقابل با نظام‌های سکولار احساس قرابت می‌کردند، امروزه الگوی اسلام سیاسی را در چنین جریان‌هایی جست‌وجو می‌کنند.

شش - فعالیت کانون‌های شیعی با رویکرد متحجرانه در برخی کشورها: این کانون‌ها که

گاه تحت حمایت قدرت‌های بزرگ هستند، اندیشه و عمل خود را در مصاف خصمانه با انقلاب اسلامی تعریف کرده و در تقابل با سیاست‌های آن، شیعه‌گری اصیل را در ضدیت و تعارض با اهل سنت برشمرده‌اند. رویکرد براثت‌جویانه و تخصصی آنها به اهل سنت، از یک سو، موجب تحریک جریان‌های تکفیری در اهل سنت و توجیه اقدامات وحشیانه آنها علیه شیعیان می‌شود و از سوی دیگر، با تأکید بر برخی ارزش‌های قشری و سطحی از شیعه و تأکید بر غیرسیاسی بودن، در میان اقشاری از شیعیان به مثابه حیات مؤمنانه معرفی شده‌اند. امام خمینی از این تهدید به شب تاریک و گردابی هایل تعبیر نموده‌اند: «برای جلوگیری از تکرار آن حوادث تلخ و رسیدن به اطمینان از قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌ها چه باید کرد؟ گرچه کار مشکل است، ولی چاره چیست، باید فکری کرد... وگرنه شب تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هایل» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۲۱: ۲۸۲).

##### ۵. مسیر پخش و صدور فرهنگ انقلاب اسلامی

با عنایت به تفاوت محیط‌های هدف در صدور و پخش یک مقوله فرهنگی و به اقتضای عوامل مختلفی که در آن نقش دارند، هاگر استرنند سه روش را برای پخش مطرح می‌کند: جابه‌جایی، سلسله‌مراتبی و سرایتی یا واگیردار.

**الف) صدور فرهنگ انقلاب اسلامی به روش جابه‌جایی:** در روش جابه‌جایی، اتکا بر انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل یک اندیشه و ایده فرهنگی است. در این روش، حاملان فرهنگ جدید، مبلغان، تاجران، دانشجویان و مهاجرانی هستند که از راه تماس فردی، فرهنگ و ایده جدید را بسط می‌دهند. این نوع پخش مستلزم حرکت فیزیکی حاملان فرهنگ جدید بوده، سرعت انتشار آن کند است؛ البته چون هر فرد به‌طور ویژه مورد تبلیغ و هدایت قرار می‌گیرد و به آن ایده باور پیدا می‌کند، ژرفای اعتقادی بیشتری دارد.

از آنجا که ظرفیت‌های حوزه علمیه در فرهنگ‌سازی عمدتاً بر تبلیغ و مبلغ اتکا دارد و خیل عظیمی از مبلغان در این مسیر به رسالت تبلیغی خود مشغول‌اند، روش جابه‌جایی در مقایسه با دو روش دیگر، از امکان بیشتر و پایدارتری برای صدور فرهنگ انقلاب اسلامی از سوی حوزه انقلابی برخوردار است. مهم‌ترین ظرفیت‌های حوزه انقلابی در صدور فرهنگ انقلابی که در قالب روش جابه‌جایی قابل تحقق‌اند، به شرح زیر است:

یک - مرجعیت دینی: در طول تاریخ تشیع، مراجع تقلید و نیز روحانیت، همواره مرجعیت

دینی، اجتماعی و حتی سیاسی مسلمانان و به‌ویژه شیعیان را بر عهده داشته‌اند و امروزه



این رابطه عمیق، مرزهای جغرافیایی را درنور دیده و میلیون‌ها مقلد در کشورهای مختلف با ارتباط با حوزه علمیه و تغذیه فکری و معرفتی از آن، امکان صدور فرهنگ انقلابی را دارا هستند. یکی از مثال‌های برجسته نقش مرجعیت در فراتر از مرزها، صدور حکم اعدام سلمان رشدی از سوی امام خمینی است. در پی صدور این حکم، مسلمانان در کشورهای مختلف، از اندونزی تا هند و پاکستان و کشورهای عربی و آفریقایی تا مسلمانان مقیم کشورهای اروپایی و آمریکایی، به تظاهرات خونین پرداختند؛ تاجایی که این مسئله، به شهادت تعدادی در حمایت از فتوای یک مرجع تقلید شیعه انجامید.

**دو - شبکه گسترده تبلیغ و مبلغان در جهان:** مرکز فکری و معرفتی این شبکه، حوزه علمیه است و این مبلغان عمدتاً نظام‌باوری انقلابی دارند و در هزاران مسجد و مرکز دینی و در مناسبت‌های مذهبی مثل دهه محرم، به تبلیغ فرهنگ انقلاب اسلامی می‌پردازند. امروزه شاهد دانش‌آموختگی ده‌ها هزار نفر مبلغ از بیش از یکصد کشور در مراکز وابسته به حوزه علمیه هستیم (قنبری، ۱۳۹۵؛ نک: جاری، ۱۳۸۹: ۳۴۶). این تعداد طلبه خارجی، افزون بر صدها مبلغ ایرانی است که با تسلط بر زبان‌های خارجی برای تبلیغ به دیگر کشورها اعزام می‌شوند.

**سه - آموزش و دانش‌آموختگی خیل عظیمی از مبلغان و طلاب با ملیت‌های مختلف در حوزه علمیه:** این دانش‌آموختگان که عمدتاً در فضای گفتمانی انقلاب اسلامی تربیت شده‌اند و متأثر از فرهنگ انقلاب هستند، ظرفیت تبدیل شدن به کانونی برای صدور فرهنگ انقلابی را دارند؛ همان‌طور که امروزه در کشورهای متعدد شاهد چنین نقش‌آفرینی از طلاب و مبلغان تربیت‌شده در حوزه علمیه هستیم؛ نظیر کانون فرهنگ‌سازی که شیخ ابراهیم زاکزاک در کشور آفریقایی نیجریه با عنوان «جنبش اسلامی نیجریه» به راه انداخته است. این جنبش به‌شدت تحت تأثیر ارزش‌های انقلاب اسلامی، مانند بزرگداشت روز قدس است و حتی در سال ۱۳۹۳ در راه بزرگداشت روز قدس، ۳۳ تن از شیعیان، از جمله سه نفر از فرزندان شیخ زاکزاک به شهادت رسیدند، اما همچنان این رویکرد از سوی جنبش اسلامی نیجریه دنبال می‌شود.

**چهار - دفاتر مراجع و علما:** این دفاتر که بخش عمده‌ای از آن متعلق به مراجع انقلابی است، محل رجوع مؤمنان در کشورهای مختلف بوده، در ساخت مسجد، حسینیه و مدرسه علمیه و نیز اعزام مبلغ نقش دارد و حضور و فعالیت آنها، امکان و زمینه صدور فرهنگ انقلابی را در کشورهای یادشده فراهم می‌آورد؛ به‌ویژه که به دلیل غیردولتی بودن آنها و

انکای مالی، مدیریتی و اجرایی‌شان بر نیروهای بومی، معمولاً با محدودیت‌های بسیار کمتری برای فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی از سوی دولت‌های هدف مواجه می‌شوند.

پنج - مساجد، حسینیه‌ها و مراکز اسلامی در کشورهای مختلف: امروزه هزاران مسجد، حسینیه و مرکز اسلامی در کشورهای مختلف تحت مدیریت طلاب و فضلا به برگزاری مراسم و مناسک عبادی و نیز فعالیت‌های فرهنگی - سیاسی می‌پردازند. برای نمونه، از آنجاکه حزب‌الله لبنان به تبع فرهنگ انقلابی ایران، مسجد را جایگاه همیشگی بسیج طرفدارانش در دهه ۱۹۸۰ میلادی قرار داد، صدها مسجد ساخت تا زمینه فرهنگ‌سازی را بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی فراهم آورد و از این بستر برای تقویت و تحکیم سازمان فرهنگی و رزمی خود بهره برد (نوری، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

شش - مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام در ایام محرم: عاشورا از نمادهای برجسته شیعه شمرده می‌شود و عزاداری امام حسین علیه السلام در این ایام، یادآوری ظلم‌ستیزی و قیام علیه حاکمان جور به شمار می‌آید؛ نگرشی که بسترساز انقلاب اسلامی گردید و امروز انقلاب اسلامی داعیه فرهنگ‌سازی در این مسیر را دارد. پس از انقلاب اسلامی شاهد گسترش فوق‌العاده این مراسم با محوریت طلاب و دانش‌آموختگان حوزه انقلابی در بسیاری از کشورها، از ژاپن تا آمریکا و ونزوئلا هستیم.

هفت - مناسک حج: در کنگره ملیونی حج، زمینه معنوی خاصی برای اثرپذیری مسلمانان محبّ اهل‌بیت از معارف اهل‌بیتی و ارزش‌های انقلابی مبتنی بر این معارف وجود دارد. به دلیل همین نقش برجسته حج در تبلیغ ارزش‌های انقلابی بود که حاکمان مستبد و وابسته عربستان سعودی با کشتار حجاج ایرانی در حرم الهی در سال ۱۳۶۶ کوشیدند صدور و نفوذ فرهنگ و اندیشه اصیل اسلامی را در دل و جان مسلمانان سدّ کنند. «عید سعید و مبارک، در حقیقت آن روزی است که با بیداری مسلمان و تعهد علمای اسلام تمام مسلمانان جهان از تحت سلطه ستمکاران و جهان‌خواران بیرون آیند... و چه فرصتی بالاتر و والاتر از کنگره عظیم حج که خداوند متعال برای مسلمانان فراهم آورده است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۱۹: ۲۰؛ نک: خامنه‌ای، ۱۱ مهر ۱۳۹۶).

ب) صدور فرهنگ انقلاب اسلامی به روش سلسله‌مراتبی: در این نوع پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله‌مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات منتقل گردیده، گسترش می‌یابد. پخش سلسله‌مراتبی را در عنصر «پیشاهنگ»‌ها یا کانون ثانویه می‌توان برجسته کرد؛ همچون لبنان و عراق به‌مثابه پیشاهنگ صدور فرهنگ انقلاب اسلامی به



جهان عرب، افغانستان در آسیای میانه، پاکستان در شبه‌قاره هند، ترکیه در قفقاز و بالکان، و نیجریه در آفریقای غربی (برزگر، ۱۳۸۱: ۶۵).

با عنایت به اینکه اندیشه و فرهنگ نو در افکار فرهیختگان هر جامعه زودتر از دیگران نقش می‌بندد و ایشان مرجعیت فرهنگی - اجتماعی دارند، صدور فرهنگ انقلابی و پذیرش آن از سوی فرهیختگان، زمینه اثرگذاری فراگیرتری را فراهم می‌کند. برای نمونه، وقتی مرجع تقلید انقلابی‌ای چون آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر در عراق به انقلاب اسلامی گرایش پیدا می‌کند و از مردم می‌خواهد در امام خمینی ذوب شوند (ذوبوا فی الخمینی کما هو ذاب فی الاسلام)، شاهد گسترش گرایش شیعیان عراق به انقلاب اسلامی و اثرپذیری از فرهنگ آن هستیم: «سعی کنید که انگیزه‌ها انگیزه‌های الهی باشد. سعی کنید که به مردم خودتان هرجا هستید، به کشورهای خودتان هرجا هستید، تزریق کنید که انگیزه‌هایشان الهی باشد، برای کشورگیری نباشد، برای سلطه نباشد، برای دنیا نباشد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۲۰: ۲۰۵).

در اینجا به برخی ظرفیت‌های حوزه علمیه در صدور فرهنگ انقلابی به روش سلسله‌مراتبی اشاره می‌کنیم:

**یک - مراجع تقلید مقیم دیگر کشورها:** برخی از مراجع تقلید در کشورهای نظیر عراق و لبنان، نگرشی انقلابی به آموزه‌های شیعه دارند یا از انقلابی که در ایران شکل گرفته، حمایت می‌کنند. با توجه به رابطه عمیق مرجع - مقلد از یک سو و خیل گسترده مقلدان این مراجع از سوی دیگر، زمینه گرایش این مقلدان به فرهنگ انقلابی شکل می‌گیرد. البته گرایش مراجع به انقلاب اسلامی دارای شدت و ضعف بوده است. برای نمونه، با گرایش عمیق آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر در عراق به انقلاب اسلامی، بسیاری از مقلدان و مریدان ایشان، چه در قالب حزب‌الدعوه و چه در قالب توده‌های مقلد، به انقلاب گرایش پیدا کردند که این اثرپذیری آنها را پس از سقوط صدام در سال ۱۳۸۲ و علاقه‌مندی فراوانشان به انقلاب اسلامی می‌توان مشاهده کرد. همچنین می‌توان به آیت‌الله سیدمحمدحسین فضل‌الله، از مراجع تقلید در لبنان نیز اشاره کرد که گاه وی را رهبر معنوی حزب‌الله لبنان معرفی می‌کنند (نک: نوری، ۱۳۸۹). چنین مراجع تقلیدی این امکان را دارند که به کانون ثانویه یا پیشاهنگی برای صدور فرهنگ انقلابی تبدیل شوند.

**دو - دانش‌آموختگان خارجی حوزه علمیه:** هزاران دانش‌آموخته خارجی حوزه‌های علمیه، غالباً پس از بازگشت به کشورشان، به تدریس و مدیریت مدارس حوزوی، تبلیغ در مساجد،



پژوهش و انتشار نشریه و ترجمه آثار علما و فضلا و رهبران انقلاب اسلامی به زبان محلی خود و... می‌پردازند. این فعالیت‌های آموزشی - فرهنگی برای دانش‌آموختگان حوزوی، مرجعیت علمی و اجتماعی‌ای فراهم می‌کند و این مرجعیت، به‌مثابه کانون ثانوی، زمینه صدور فرهنگ انقلاب اسلامی و بازتولید آن را موجب می‌شود. برای مثال می‌توان به شیخ ابراهیم زاکزاک، رهبر جنبش اسلامی نیجریه اشاره کرد. حافظ محمد سعید، از طلاب و فضلاء نیجریه، به بیانی از شیخ زاکزاک درباره رسالت طلاب و دانش‌آموختگان نیجریه‌ای پرداخته، می‌گوید: «شیخ زاکزاک در سفری که به ایران آمده بود، به ما گفتند شما باید بدانید که امروز سفیران حضرت صاحب‌الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - هستید و مردم نیجریه و آفریقا منتظر شما هستند؛ هر نوع کوتاهی در این مسیر، خیانت به حضرت حجت علیه السلام است است» (سعید، ۱۳۹۳).

سه - مساجد، حسینیه‌ها و مراکز اسلامی در کشورهای مختلف: مساجد، حسینیه‌ها و مراکز اسلامی در کشورهای مختلف، تحت مدیریت طلاب و فضلاء دانش‌آموخته حوزه، به کانونی برای کسب معرفت دینی - اجتماعی و تجمع شیعیان و در نتیجه، صدور فرهنگ انقلابی تبدیل شده‌اند.

چهار - مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور: از همان سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با مطالبه مسلمانان کشورهای گوناگون، نهادهای مختلف مرتبط یا وابسته به حوزه علمیه به تأسیس مدارس دینی در این کشورها پرداختند. برای مثال در حال حاضر، جامعة المصطفی العالمیة در بیش از شصت کشور نمایندگی مستقل و حدود ۲۵۰ مدرسه تحت پوشش دارد. این، افزون بر مدارس دینی متعددی است که مراجع تقلید، نیکوکاران و دیگر نهادهای ایرانی و خارجی در کشورهای مختلف ساخته‌اند؛ به‌طوری‌که تنها در پاکستان حدود چهارصد حوزه علمیه اهل بیتی فعال است (عارفی، ۱۳۸۵: ۲۴۹) که از برنامه‌های آموزشی و فرهنگی جامعة المصطفی استفاده می‌کنند. این مدارس حوزوی به دلیل نقش فرهنگی، آموزشی و دینی در مناطق خود، به کانون ثانویه‌ای برای صدور فرهنگ انقلاب اسلامی تبدیل گشته‌اند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهم محبوبیت بالای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در میان پاکستانی‌ها، همین کثرت مدارس حوزوی و نقش‌آفرینی آنها در صدور فرهنگ انقلابی باشد (نک: همان).

پنج - دفاتر مراجع و علما: دفاتر مراجع تقلید انقلابی در کشورهای متعدد، با بهره‌گیری



از خمس و وجوهات، به ساخت مسجد، حسینیه، مدرسه علمیه و نیز اعزام مبلغ بومی و غیربومی می‌پردازند و در این راستا شرایط و زمینه‌های صدور فرهنگ انقلابی را نیز فراهم می‌کنند.

**شش - گفتمان‌سازی:** یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی، ارائه گفتمان دینی متفاوت، و بلکه متعارض با گفتمان سکولار، با وجوه مختلف آن است. منشأ و محور این گفتمان، تفکر اهل بیت است. حوزه علمیه انقلابی با مفصل‌بندی گفتمان دینی بر محور اسلام انقلابی و ارائه آن در محیط‌های هدف، سبب شکل‌گیری نیروهایی حول این گفتمان می‌شود و به‌صورت سلسله‌مراتبی موجب فرهنگ‌سازی بر اساس ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌گردد (خامنه‌ای، ۱۵ اسفند ۱۳۹۲).

**هفت - شکل‌گیری کانون‌های ثانویه فرهنگی - سیاسی:** این کانون‌ها همچون جنبش حزب‌الله لبنان، جنبش اسلامی نیجریه، تحریک فقه جعفری پاکستان و انصارالله یمن، به رهبری طلاب و علما اداره می‌شوند و ظهور آنها به‌عنوان نماد مبارزه با استکبار و استبداد در جهان اسلام، از ایشان الگویی موفق در جهان اسلام به نمایش گذاشته است؛ به‌طوری‌که سید حسن نصرالله در سال‌هایی، محبوب‌ترین شخصیت جهان عرب شناخته شده است.

**هشت - مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام:** این مراسم در ایام محرم و غالباً حول محور طلبه‌ای مبلغ در مسجد، حسینیه یا مرکز اسلامی اقامه می‌شود و از کانون‌های تبلیغ معارف اهل بیت علیهم السلام و فرهنگ انقلابی به شمار می‌آید.

**ج) پخش و صدور فرهنگ انقلاب اسلامی به روش سرایتی:** در این نوع، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد و بنابراین، افراد و نواحی نزدیک درمقایسه با افراد و نواحی دور دست، احتمال تماس بیشتری دارند (برزگر، ۱۳۸۲: ۳۷-۳۸). برخی ظرفیت‌های حوزه انقلابی که در قالب روش سرایتی در صدور فرهنگ انقلاب اسلامی نقش دارند، به شرح ذیل است:

**یک - مراسم پیاده‌روی اربعین:** یکی از شروط مهم در روش پخش سرایتی، «همسایگی» است. این مسئله در کنار هم‌مذهب بودن با عراقی‌ها، سبب شده مراسم پیاده‌روی اربعین، با حضور میلیون‌ها مسلمان و غیرمسلمان از اقصی نقاط دنیا انجام شود. انجام مراسم عظیم پیاده‌روی اربعین با شرکت بیست میلیون نفر که در سال‌های اخیر در سایه شوم تهاجم گروه تکفیری داعش به عراق و مقابله پیروزمندانۀ جمهوری اسلامی

ایران با آن انجام می‌شود، جایگاه خاصی به فرهنگ انقلاب اسلامی در میان مردم عراق و دیگر مسلمانان شرکت‌کننده در این مراسم داده است. نگاهی به نمادها و رفتارها در این مراسم عظیم، گویای سرایت و اثرپذیری آن از فرهنگ انقلاب اسلامی ایران است. بی‌شک حوزه علمیه می‌تواند در تأمین ابعاد محتوایی این کنگره عظیم شیعی نقش برجسته‌ای داشته باشد که یکی از مهم‌ترین آن، فرهنگ‌سازی بر اساس ارزش‌های انقلاب اسلامی است.

**دو - مناسک حج:** در کنگره حج، هزاران حاجی که در معرض مشاهده یا بهره‌گیری از نگرش انقلابی ایرانیان و به‌ویژه مبلغان قرار دارند، زمینه اثرپذیری را پیدا می‌کنند.

**سه - مهاجران افغانستانی و عراقی مقیم ایران:** این مهاجران در مدتی که در ایران حضور داشته‌اند، غالباً با فرهنگ انقلاب اسلامی آشنا شده یا فرزندانشان در مدارس ایرانی با این فرهنگ تربیت شده‌اند. در واقع این نحوه اثرپذیری به روش جابه‌جایی است، و با بازگشت این مهاجران به وطنشان، عملاً بخشی از آنها حامل فرهنگ انقلاب اسلامی خواهند بود.

## ۶. نتیجه

حوزه انقلابی را می‌توان معتقد به اسلام سیاسی و نظام سیاسی مبتنی بر ولی‌فقیه جامع‌الشرایط عادل، ملهم از اندیشه‌های فقهی و کلامی امام خمینی دانست که ویژگی‌هایی چون حمایت از نظام جمهوری اسلامی، آینده‌نگری، تربیت متفکر با رویکردی جهانی و آرمان جامعه مهدوی، مردمی بودن حوزه انقلابی، برخوردار از شخصیت‌های برجسته انقلابی به‌مثابه الگو، نظیر امام خمینی و شهید صدر، و برخورداری از خیل عظیمی از مبلغان و طلاب با ملیت‌های مختلف را داراست. از سوی دیگر، فرهنگ انقلاب اسلامی که رهبران انقلاب دغدغه صدور آن را داشته و دارند، ویژگی‌هایی چون حاکمیت الهی به‌عنوان تنها الگوی مشروع، عدالت‌محوری، آرمان‌گرایی بر اساس اندیشه مهدویت، مردم‌سالاری دینی، استکبارستیزی، دفاع از مظلومان و مستضعفان، جهان‌شمولی، آزادی و استقلال، و عدم وابستگی به قدرت‌های استکباری را دارد.

تاریخ انقلاب‌ها در جهان بیانگر آن است که اندیشه و فرهنگ نوینی که در جامعه بنیان می‌گذارند، در مرزهای جغرافیایی محصور نمی‌شود. اساساً گسترش اندیشه و فرهنگ در فراتر از مرزهای مبدأ شکل‌گیری یک فرهنگ نو، از اسباب تداوم و تحکیم آن به شمار



می‌آید. در انقلاب اسلامی ایران نیز آرمان جهانی‌رهایی مستضعفان و باور به عدم توقف انقلاب پس از پیروزی آن در ایران، مسئله صدور انقلاب و فرهنگ انقلاب اسلامی را به دغدغه‌ای پررنگ برای رهبری انقلاب تبدیل کرد. در این میان، ماهیت اسلامی انقلاب، آرمان‌های اسلامی آن و نقش پررنگ حوزه علمیه در رهبری انقلاب و نظام برآمده از آن، سبب شد حوزه علمیه در صدر توجهات در مسئله صدور فرهنگ انقلاب اسلامی قرار گیرد. برای تحلیل نقش حوزه انقلابی در صدور فرهنگ انقلاب اسلامی از نظریه پخش هاگر استرنده استفاده کردیم و مقاله را بر اساس ارکان این نظریه، یعنی مبدأ، مقصد، موضوع و مسیر پخش سامان دادیم.

بی‌شک برخورداری حوزه انقلابی در ایران به‌مثابه مبدأ صدور از ظرفیت‌هایی چون مرجعیت دینی، مرجعیت فرهنگ‌سازی مذهبی، شبکه گسترده مبلغان، شبکه گسترده مساجد، شبکه گسترده مدارس علمیه در سراسر دنیا، هیئت‌های مذهبی، غیردولتی بودن و نداشتن محدودیت‌های نهادی دولتی، سبب شده حوزه علمیه چونان منشأ و مسیری اصیل، ژرف و قابل اعتماد برای صدور فرهنگ انقلاب اسلامی در اقصی نقاط جهان نقش‌آفرینی کند.

در تحلیلی از نقش حوزه انقلابی و روند اثرگذاری آن می‌توان گفت رهبری روحانیت در انقلاب اسلامی در برابر یک قدرت قوی منطقه‌ای و مورد حمایت قدرت‌های بزرگ و در ادامه، تحقیر امریکا به‌مثابه شیطان بزرگ، این باور را در میان توده‌ها و نخبگان مسلمان پدید آورد که با تمسک به ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی، زمینه و امکان مبارزه علیه حکومت‌های غالباً مستبد و وابسته جهان اسلام فراهم می‌شود و حتی می‌توان به پیروزی دست یافت و نظامی مبتنی بر تفکر اسلام سیاسی تأسیس کرد. شکل‌گیری این ذهنیت در میان مسلمانان شیعه و سنی، از یک سو سبب بازگشت آنان به اسلام سیاسی به‌مثابه راه مبارزه با استبداد و استکبار و راه حل پس از پیروزی بر آنها گردید و از سوی دیگر، این مطالبه را از حوزه‌های دینی در میان مسلمانان قوام بخشید که همچون حوزه‌های علمیه ایران، رویکردی انقلابی و متأثر از آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی را در پیش گیرند. در واقع این مطالبه، سرآغاز توجه توده‌ها به حوزه‌های دینی به‌مثابه نیروی پیش‌تاز در مسیر مبارزه و کسب راه حل برای سیر در این طریق دشوار گردید. این توجه توده‌ها در جهان اسلام، به اراده و اقدام حوزه در صدور فرهنگ انقلابی، مشروعیت مردمی

و اجتماعی می‌دهد. با عنایت به نقش و اقناعی که در میان مسلمانان صورت گرفته است، راهکارهای زیر می‌تواند در پیشبرد اهداف انقلابی حوزه‌ها، نقشی شتابزا، پایدار و همراه با تعمیق نظام باورها ایفا نماید:

(۱) تأسیس انجمن‌های علمی مستقل و تحت اشراف حوزه علمیه در کشورهای هدف و مقصد: شکل‌گیری چنین انجمن‌هایی، در عین ارائه تبیینی صائب از ارزش‌های انقلابی، می‌تواند نقش سلسله‌مراتبی در صدور و نشر این ارزش‌ها داشته باشد؛ به‌ویژه که با توجه به ماهیت بومی آنها، موانع بسیار کمتر در مسیر فعالیتشان خواهند داشت؛ مانند انجمن علمی فقه سیاسی اسلام و انجمن علمی تفسیر اهل بیتی.

(۲) مطالعات جامعه‌شناختی از جوامع مسلمانان در کشورهای مختلف: اثرگذاری پایدار و فراگیر حوزه انقلابی و نیز افزایش بازدهی اثرگذاری آن، مستلزم شناخت شرایط محیط‌های هدف است و این مقوله متأسفانه در حوزه‌ها چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

(۳) رصد و جمع‌آوری آثاری که درباره انقلاب اسلامی در جوامع مختلف نوشته شده است و تحلیل آنها در راستای بهره‌گیری از آن دیدگاه‌ها در جهت نقش‌آفرینی بهتر و با آسیب کمتر: این امر می‌تواند مستلزم تأسیس مرکزی تحت اشراف حوزه باشد.

(۴) تأسیس شبکهٔ مبلغان مسلمان: سالانه هزاران مبلغ مسلمان معتقد به انقلاب اسلامی یا تحت تأثیر آن، به اقصی نقاط جهان اعزام می‌شوند. هم‌اندیشی و همگرایی میان این مبلغان، مستلزم شکل‌گیری نهادی فراملی و مردم‌نهاد است. مرکز این نهاد می‌تواند و بلکه بهتر است خارج از ایران، مثلاً شهر نجف باشد. وجود و حضور فعال چنین نهادی به‌ویژه در برهه‌هایی که انقلاب یا حامیان آن در مخاطره قرار بگیرند، ظرفیت جریان‌سازی خواهد داشت. امروزه نهادهای این‌چنینی را می‌توان در میان مسلمانان مشاهده نمود؛ همچون «اتحادیه حقوقدانان شیعه» که کارویژه آن، حمایت حقوقی از شیعیان در اقصی نقاط جهان است؛ اما با عنایت به جمعیت فراوان مبلغان و گسترهٔ عمل آنها، بی‌شک اثرگذاری‌شان بسیار بیشتر خواهد بود.

(۵) تأمین نیازمندی‌های نرم‌افزاری نهادهای وابسته به حوزه: بی‌شک تأسیس انجمن‌ها و تشکل‌های وابسته یا تحت اشراف و یا هوادار حوزه علمیه در کشورهای مختلف، مستلزم تأمین نرم‌افزاری آنها در عرصه آموزش و برنامه‌های فرهنگی، مذهبی، رسانه‌ای و... است. بدین منظور، لازم است مرکزی در حوزه علمیه با رویکردی بین‌المللی با هدف تأمین



نیازمندی‌های نرم‌افزاری این نهادها تأسیس شود. نکته شایان ذکر اینکه، با توجه به وجود نیکوکاران و ثروتمندان مسلمان که علاقه‌مند به فعالیت در این حوزه هستند و نیز امکان استفاده از خمس و سهم امام، می‌توان در خصوص مساعدت مالی به این تشکل‌ها اقدام کرد.



## منابع

- باقی نصرآبادی، حمید نگارش (۱۳۸۶)، رمز موفقیت استاد مطهری، قم: نشر امام عصر.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱)، نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ نخست.
- \_\_\_\_\_ (بهار و تابستان ۱۳۸۲)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ه هشتم.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری:

<http://www.leader.ir/fa>

- جباری، ولی (۱۳۸۹)، شیعیان جمهوری آذربایجان، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- حاجتی، میراحمدرضا (۱۳۹۵)، عصر امام خمینی، قم: بوستان کتاب.
- حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۰)، جاودانه تاریخ، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، چاپ دوم.
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۴)، نرم افزار حدیث ولایت؛ مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای؛ قم: خدمات فرهنگی نور.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۰)، صحیفه نور، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۷۵)، حوزه و روحانیت در آئینه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- رجائی، فرهنگ (۱۳۸۲)، «ایدئولوژی و جهان‌بینی ایرانی: صدور فرهنگی انقلاب» در: اسپوزیتو، جان ال، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چاپ نخست.
- رضائی جعفری، محسن و دیگران (پاییز ۱۳۹۵)، «گفتمان انقلاب اسلامی ایران و الزامات اشاعه ارزش‌های آن در عصر جهانی شدن بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره بیست و نهم.
- رمضان، روح‌الله (۱۳۸۲)، «صدور انقلاب: سیاست‌ها، اهداف و وسائل»، در: اسپوزیتو، جان ال، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چاپ نخست.

- سعید، حافظ محمد (۱۳۹۳)، «مصاحبه با حافظ محمد سعید از علمای نیجریه» در:

<https://www.mashreghnews.ir/news/342392>

- شقاقی، فتحی (۱۳۷۳)، امام خمینی تنها گزینہ، ترجمہ سیدہادی خسروشاهی، تهران: مؤسسہ اطلاعات.
- عارفی، محمد اکرم (۱۳۸۵)، شیعیان پاکستان، قم: مؤسسہ شیعه‌شناسی.
- علمی، محمدجعفر (۱۳۸۹)، «حضور روحانیت در عرصہ بین‌الملل» در: مجموعہ مقالات روحانیت و انقلاب اسلامی (دفتر اول: نشست‌ها و گفتگوها)، بی‌جا، بی‌نا.
- فرلر، گرام (۱۳۷۳)، قبلہ عالم: ژئوپلتیک ایران، ترجمہ عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- فوکو، میشل (۱۳۷۷)، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند، ترجمہ حسین معصومی ہمدانی، تهران: انتشارات ہرمس، چاپ سوم.
- قنبری، محسن (۱۳۹۵)، «نشست خبری معاون آموزشی جامعہ المصطفی»، در:  
<http://www.mehrnews.com/news>
- الغنوشی، راشد (۱۳۷۷)، حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلام، ترجمہ سیدہادی خسروشاهی، تهران: مؤسسہ اطلاعات.
- کلینی، محمد بن محمد (۲۰۰۷م)، الکافی، بیروت: منشورات الفجر.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۸)، «گزارش جنبش توحید اسلامی لبنان»، گزارش ۳۵۱.
- مطہری، مرتضی (۱۳۹۱)، بررسی اجمالی نہضت‌های اسلام در صد سال اخیر، تهران: نشر صدا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: نشر صدا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، ختم نبوت، تهران: نشر صدا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵)، مجموعہ آثار، جلد بیست و پنجم، تهران: نشر صدا.
- نباتیان، محمداسماعیل و مختار شیخ‌حسینی (۱۳۹۴)، زمینہ‌های فکری - سیاسی جریان بعثی تکفیری داعش، قم: مجمع جهانی اہل بیت.
- نوری، داود (۱۳۸۹)، شیعیان لبنان: وضعیت سیاسی - اجتماعی پس از انقلاب اسلامی، قم: مؤسسہ شیعه‌شناسی.

- [afghanistan.shafaqna.com/5357](http://afghanistan.shafaqna.com/5357)

